

افشای نام مقصران آلودگی هوا برای اولین بار!

انشای امروز مادر باره آلودگی هواست. خبر خوش آنکه رئیس سازمان محیط زیست اعلام کرده است: «به زودی با معاونت اجرایی و معاون اول رئیس جمهور در قالب ستاد هوای پاک جلسه خواهیم داشت.» البته جلسه این بزرگواران برای حل مشکل نیست. چون وی درآمد افزوده است: «پس از آن اگر دستگاه هابه تکالیفشان در راستای اجرای قانون هوای پاک عمل نکنند، مطمئن باشند که نام همه را اعلام خواهیم کرد.» یعنی شاید بعد از این همه وقت، لطف کنند و اسم بهدار اعلام کنند. ولی ماصبر نمی کنیم و خودمان اکنون نام مقصران را افشای کنیم.

مقصر سوم: فضای سبز و بنزین و کارخانجات

باز هم واضح و مبهرن است که متهم سوم آلودگی هوا، فضای سبز است که کم است. اگر جنگل ها و بیشه ها و جویبارها و آبشارها و... در همه شهرها وجود داشتند، ما این قدر گند و کثافت نفس نمی کشیدیم. مقصر بعدی هم صنایع هستند. همین بنزین آلوده، دود کارخانجات و صنایع حاشیه شهرها، خودروهای غیراستاندارد تک سرنشین، موتورهای آلاینده و ناوگان کم حمل و نقل عمومی، به اضافه هرچیز دیگری که به ذهنتان می رسد، تقصیر آن هاست.

مقصر بعدی: آب و هوا

واضح و مبهرن تر است که مقصر بعدی، خود همین آب و هواست. اگر هوا آلوده نبود، نیازی نبود که ما هم نگران آلودگی هوا باشیم. به گفته پدر بزرگمان، اگر پان گاه کیو، اگر ابرهای باریدند و بادهای وزیدند، همه مشکلات آلودگی رفع می شد. پس هرچه می کشیم، زیر سر همین هواست که هی آلوده می شود.

مقصر اصلی: مردم

واضح و مبهرن است که مقصر اصلی آلودگی هوا مردم هستند. اصلا مسئولان و نهادها و دستگاه ها هرچه می کشند، از دست ماست. اگر ما مردم نبودیم، لازم نبود مسئولان این قدر حرص بخورند. اگر ما در خانه ها و نیروگاه هایمان مازوت نسوزانیم، پسماندها را آتش نزنیم، خودرو فرسوده سوار نشویم و اصلا اگر چند روز نفس نکشیم، مشکل آلودگی هوا هم حل می شود.

و اما مقصر آخر

برای بار آخر واضح و مبهرن است که نمی شود هیچ مسئولی در این وضع هشلهفت هوا مقصر نباشد. اصلا خود مسئولان ناراحت می شوند اگر ایشان را مقصر ندانیم. چون از مروت و مردانگی این بزرگواران به دور است. پس مقصر آخر را هم مسئولان اعلام می کنیم. البته که نه این مسئولان کنونی، بلکه مسئولان پیشین. قطعا اکنون هر مشکلی پیش می آید، تقصیر گذشتگان است. چون مسئولان کنونی که نهایت تلاششان را می کنند تا هرچه زودتر نام مقصران را اعلام کنند. دیگر چه می خواهیم؟ این بود انشای ما. امیدوارم از این انشای پند بگیریم که هوا را آلوده نکنیم.



صفحه ۴
۹ دی ۱۴۰۲
شماره ۹۲

نخود نخود
هر که رود
واگن خود

فرهنگ شهروندی
ساحل شاکری

گاهی اوقات مردان بعد از اینکه به دلیل کمبود وقت خودشان را به داخل واگن خانم ها انداخته اند، دیگر هیچ میلی به رفتن از آن واگن ندارند. احتمالا می گویند قسمت بوده و این هم روزی امروزمان است. به جان خودم همین طور است. مرد تمام مدت در واگن خانم ها که می ایستد هیچ از یک جایی به بعد احساس خستگی نمی کند و حتی از صندلی ها هم برای نشستن

کجا و چطور سوار شده است. در بیشتر اوقات خود را در میان انبوهی از جنس مخالف می بیند. انگار که تک انسانی در میان قبیله آدم خورهاست، می ترسد، سریع خودش را جمع و جور می کند و با نگاه به چپ و راست، مقصد بعدی اش را مشخص می کند و به جایگاه اصلی خود برمی گردد. اما همه چیز به همین خوبی و به همین خوش مزگی تمام نمی شود.

امان از دیر رسیدن ها. باز این قسمت از آن دیر رسیدن هایی داریم که بهتر از هرگز نرسیدن است. دیر رسیدن به مترو و دیدن صحنه بسته شدن در آن و حرکت مترو از بدترین صحنه هاست. فلذا بیشتر اوقات فرد دیر رسیده خود را با سرعت موشک به نزدیک ترین درواگن می رساند و خودش را پرت می کند داخل. بعد که از سوار شدن اطمینان حاصل کرد، تازه نگاه می کند ببیند